

عاشورا در این اعداد و ارقام

www.mesbahalmominir.ir

آن حضرت، در هر موقعیتی، با دشمنان احتجاج می نمودند؛ تا حجت بر همگان تمام کرده باشند. از جمله احتجاج ها موارد زیر است

۰۱

خطاب عمومی

حداقل دو مرتبه، امام با جمع سپاه کوفه احتجاج نمودند که جانگدازترین و غریبانه ترین آن این احتجاج بوده است.

۰۲

خطاب خاص

به شبت بن ربعی، هجار بن ابجر، قیس بن اشعث و...

۰۳

هنگام عزیمت فرزندش علی اکبر علیه السلام به میدان

بارالها! بر این قوم گواه باش که به جانب ایشان نوجوانی رهسپار است که در صورت و سیرت و گفتار، شبیه ترین مردم به پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله است...

۰۴

احتجاج باعمر سعد

«وای بر تو! آیا از خدایی که بازگشت به سوی اوست نمی ترسی؟!» آیا با من - که خود می شناسی کیستم - می جنگی؟! اینان را رها کن و با من باش که این، تو را به خدا نزدیک تر می کند.

۰۵

احتجاج باعمر سعد درباره جنگ

فرمود: یکی از سه کار را انجام بده! گفت: «چیست؟!» فرمود: بگذار تا به مدینه، حرم جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله برگردم! گفت: «نمی شود!» فرمود: «آبی دهید که آل الله سخت تشنه اند» گفت: «نمی شود!» فرمود: «پس تن به تن به جنگم آیید...»

۰۶

احتجاج با کوفیان درباره علی اصغر علیه السلام

۰۷

احتجاج در آخرین لحظات

فرمود: «آیا رحم کننده ای هست که آل پیغمبر برگزیده خدا را رحم کند؟ آیا یآوری هست، که نسل پاک پیغمبر را یاری کند؟ آیا برای فرزندان زهرای بتول، پناه دهنده ای هست؟ آیا کسی هست که از حرم پیامبر صلی الله علیه و آله را پاس دارد؟

۰۱

آن هنگام که حضرت علیه السلام برای گزاردن نماز اول وقت، مهلت خواستند، حصین بن نمیر اسانه ادب نمودو گفت: «نماز شما پذیرفته نیست...»

۰۲

قیم بن حصین فردی از سپاه کوفه به میدان آمد و درواج



احتجاج های امام حسین (ع) در کربلا



الف) نفرین به دشمنان

۰۱

عبدالله بن حصین آن هنگام که گفت: «ای حسین! آیا این آب را نمی بینی، که همچون دل آسمان می درخشد؟ به خدا سوگند یک قطره از آن را نخواهی چشید تا تشنه کام همیری!» امام فرمود: «خدایا او را از تشنگی همیران و هرگز او را نیامرز»

۰۲

مالک بن حوزه، آن هنگام که ایستادو گفت: ای حسین! مژده باد که آتش دنیا قبل از آخرت می سوزاندت!» و امام فرمود: «خدایا! او را در آتش بلا و پیش از آخرت در دنیایش بسوزان!» گفتنی است اسب مالک در این هنگام او را در آتشی افکند که اصحاب امام در خندق ها روشن کرده بودند!.

۰۳

نفرین امام بر شمر ذی الجوشن، آن هنگام که با نیزه بر خیمه امام کوبید و گفت: آتش بیاورید تا این خیمه را با اهلش بسوزانم!» در این هنگام، بانگ بانوان برخاست و از خیمه ها بیرون آمدند. امام به شمر ندا داد. ای فرزند ذی الجوشن! آیا آتش می خواهی تا اشیانه اهلم را بسوزانی؟ خدا به آتشت بسوزاند!

۰۴

نفرین امام بر مردی از قبیله بنی دارم به نام زرعه، آن هنگام که میان امام و آب حائل شد و تیری افکند که بر چانه آن حضرت نشست.

۰۵

نفرین امام بر محمد بن اشعث، آن هنگام که جسورانه از امام پرسید: «میان تو و محمد صلی الله علیه و آله چه خویشاوندی هست.»

۰۶

نفرین امام هنگام جنگ با کوفیان

۰۷

نفرین امام بر مالک بن سرکندی که با شمشیر بر کلاه خود امام علیه السلام زد آن هنگامی که بدن امام، مجروح و رنجور و خسته بود.

ب) نفرین امام، هنگام شهادت یارانش

۰۸

هنگام شهادت علی اکبر علیه السلام ، خطاب به عمر سعد فرمود: «تو را چه می شود خدا تسلیت را قطع کند و کارت را بی برکت سازد.»

۰۹

پس از شهادت قاسم علیه السلام فرمود: «خدایا! از شمارشان بکاه و با نیازمندی، ایشان را بکش و هیچ یک را باقی مگذار و آنان را هرگز نیامرز

۱۰

بعد از شهادت عبدالله بن مسلم بن عقیل. فرمود: «بار الها! کشندگان آل عقیل را بکش!»

۱۱

هنگام شهادت عبدالله بن حسن

۱۲

بعد از شهادت علی اصغر فرمود: «خدایا! باران آسمان را از ایشان باز دارد و برکاتت را از آنان دریغ دار! خدایا هرگز از ایشان راضی مشو!»

فرمود: «برچه اساسی با من می جگنید...»

گفتند: «با تو می جنگیم به سبب بغضی که به پدرت داریم و به آنچه در روز بدر و حنین با پدران ما کرد!»

۰۴

در لحظات آخر، که تمامی بدن مبارک حضرت پر از آثار تیر و نیزه و شمشیر دشمن شده بود، قیم بن قحطبه -از فرماندهان

عطش امام علیه السلام فریاد زد: ای حسین! ای یاوران حسین! آیا این آب فرات را نمی بینید که همچون سینه مارها (یا طبق نسخه دیگر: ماهیان) می درخشد؟! به خدا سوگند شما قطره ای از آن نخواهید نوشید، تا همیرید!

۰۳

پاسخ اهل کوفه به امام علیه السلام هنگام اجتماع ایشان که

شام -نزدیک آمد و گفت: «ای فرزند علی! تا کی مقاومت

می کنی؟! فرزندان و یارانت همگی کشته شدند و تو باز می خواهی با شمشیر، با بیست هزار نفر بجنگی؟!»

۰۵

گفتار شمر با امام علیه السلام و در پاسخ استغاثه ایشان که گفت: ای حسین کجایی؟! آیا از ما آب می خواهی؟! این محال

است! آری به آتش سرخ و آب داغ... مژده ات باد!

۰۶

در آخرین لحظات حیات امام علیه السلام «شمر» و «سنان» که لعنت ابدی خداوند نثارشان باد -نزد امام آمدند: شمر با جسارت، پا بر تن امام زده، گفت: «ای فرزند ابوتراب! آیا یاور نداشتی که پدرت دوستانش را بر حوض پیامبر، سیراب می کند

